و به راستى در این قرآن، براى مردم از هر گونه مَثَلى آوردیم، و[لى‌] انسان بیش از هر چیز سرِ جدال دارد. (54) و چیزى مانع مردم نشد از اینکه وقتى هدایت به سویشان آمد ایمان بیاورند، و از پروردگارشان آمرزش بخواهند، جز اینکه [مستحق شوند] تا سنت [خدا در مورد عذاب‌] پیشینیان، در باره آنان [نیز] به کار رود، یا عذاب رویارویشان بیاید. (55) و پیامبران [خود] را جز بشارت‌دهنده و بیم‌رسان گسیل نمى‌داریم، و کسانى که کافر شده‌اند، به باطل مجادله مى‌کنند تا به وسیله آن، حق را پایمال گردانند، و نشانه‌هاى من و آنچه را [بدان‌] بیم داده شده‌اند به ریشخند گرفتند. (56) و کیست ستمکارتر از آن کس که به آیات پروردگارش پند داده شده، و از آن روى برتافته، و دستاورد پیشینه خود را فراموش کرده است؟ ما بر دلهاى آنان پوششهایى قرار دادیم تا آن را درنیابند و در گوشهایشان سنگینى [نهادیم‌]. و اگر آنها را به سوى هدایت فراخوانى باز هرگز به راه نخواهند آمد. (57) و پروردگار تو آمرزنده [و] صاحب رحمت است. اگر به [جرم‌] آنچه مرتکب شده‌اند، آنها را مؤاخذه مى‌کرد، قطعاً در عذاب آنان تعجیل مى‌نمود [ولى چنین نمى کند] بلکه براى آنها سر رسیدى است که هرگز از برابر آن راه گریزى نمى‌یابند. (58) و [مردم‌] آن شهرها چون بیدادگرى کردند، هلاکشان کردیم، و براى هلاکتشان موعدى مقرر داشتیم. (59) و [یاد کن‌] هنگامى را که موسى به جوانِ [همراه‌] خود گفت: «دست بردار نیستم تا به محل برخورد دو دریا برسم، هر چند سالها[ى سال‌] سیر کنم.» (60) پس چون به محل برخورد دو [دریا] رسیدند، ماهىِ خودشان را فراموش کردند، و ماهى در دریا راه خود را در پیش گرفت [و رفت‌]. (61)